

بازخوانی معنا و مصداق «طاغوت» در قرآن کریم با رویکرد تاریخی - ریشه‌شناختی

محمدعلی مهدوی‌راد^۱

حسین شجاعی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۲، صفحه ۱۳ تا ۳۱ (مقاله پژوهشی)

چکیده

مفسران و لغت‌شناسان مسلمان نه از جنبه لفظی، نه از جنبه معنایی و نه از جنبه مصداقی به نظر منسجمی در مورد طاغوت دست نیافته‌اند و همین نیز باعث شده تا تشتت آراء زیادی درباره این مفهوم در آثار تفسیری وجود داشته باشد. این مقاله با استفاده از روش ریشه‌شناسی در صدد آن است تا با روشن‌سازی ساختار لفظی این واژه و منشأ وضع آن، معنای تاریخی این مفهوم را روشن نماید. حسب بررسی صورت گرفته در این مقاله مشخص شد که طاغوت، از ریشه مشترک سامی «طعی/طغی» به معنای خطا کردن و گمراه شدن ساخته شده است. بر اساس کاربرد این واژه در متون آرامی یهودی و متون حبشی مسیحی که اصل منشأ ورود این مفهوم به زبان عربی هستند، دو مصداق برای طاغوت قابل پیجویی است. نخستین مصداق بت‌ها هستند که برگرفته از زبان آرامی است و مصداق دوم کاهنان (شمن‌ها) هستند که برگرفته از زبان حبشی است. در قرآن کریم نیز همین دو طیف معنایی بازتاب یافته و هم از طاغوت‌های بت و خداواره سخن به میان آمده و هم به طاغوت‌های انسانی (که همان شمن‌ها باشند) اشاره شده است؛ علاوه بر این دو، طاغوت به معنای عام خود در زبان‌های سامی نیز در قرآن استعمال شده است.

کلیدواژه‌ها: طاغوت، ریشه‌شناسی، بت، شمن، زبان سامی.

^۱. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران: mahdavarad@ut.ac.ir

^۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث؛ دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران (نویسنده مسئول):

shojaeihosein030@gmail.com

درآمد

در آیات متعددی از قرآن واژه طاغوت استعمال شده است (برای نمونه نک: البقره/۲۵۶-۲۵۷؛ النساء/۵۱، ۶۰، ۷۶؛ المائده/۶۰؛ النحل/۳۶؛ الزمر/۱۷). در قرآن اطاعت از طاغوت در برابر عبادت خدا قرار دارد (البقره/۲۵۶؛ النحل/۳۶) از همین رو دعوت به پرستش خدا با دعوت به اجتناب از طاغوت همراه است (النحل/۳۶). قرآن طاغوت پرستان را بدتر از فاسقان اهل کتاب و مغضوب خداوند به شمار می‌آورد (المائده/۵۹-۶۰) و به پیروان طاغوت آتش جهنم را وعده می‌دهد (البقره/۲۵۷). چنانکه از اشارات قرآن می‌توان فهمید، بخش مهمی از مبارزه پیامبر در عصر خودش با پدیده طاغوت بوده است. اما منظور از طاغوت چیست؟

مفسران قرآن معانی مختلفی را برای این تعبیر قرآنی ذکر کرده اند که بسیار مشتت است؛ برخی از ایشان به معنای لفظی این تعبیر توجه نموده اند و عده ای دیگر بر مصداق آن تمرکز کرده اند. با این وجود اما دیدگاه واحدی را از مباحث آنها نمی‌توان دریافت. همین امر نیز لزوم توجه مجدد به این واژه و اساسی تاریخی آن را برای دستیابی به معنایی که در عصر نزول قرآن از آن افاده می‌شده است، ضرورت می‌بخشد.

اثر پیش رو با هدف بررسی معنای تاریخی این واژه در عصر نزول نگارش یافته است و در آن تلاش شده تا با بهره‌گیری از ریشه‌شناسی این واژه، معنای تاریخی و مصداق مشخصی که با توجه به بافت متنی قرآن از آن می‌توان منظور داشت، به دست بیاید. اگرچه تا کنون تلاش‌های محدودی برای واکاوی معنای طاغوت صورت گرفته است، اما عمده این آثار به شکل کتابخانه‌ای و با بررسی منابع روایی و تفسیری به این حوزه پرداخته‌اند و هیچ‌کدام به ریشه‌شناسی این واژه و تعیین هویت لفظی و معنایی آن نپرداخته‌اند؛ برای نمونه حایری و همکاران در مقاله «رجوع به طاغوت در منابع تفسیری و روایی و گستره آن» (حایری و دیگران، ۱۳۹۸ش) به بررسی تفصیلی دیدگاه‌های تفسیری و روایی پرداخته و در نهایت با معرفی اهل بیت (ع) به عنوان معیار سنجش طاغوت، بیان داشته‌اند هرکسی که در برابر اهل بیت (ع) بایستد و با ایشان مخالفت بنماید طاغوت محسوب می‌شود. اصغرنژاد در پایان نامه خود با عنوان «شاخصه‌ها و مصداقین طاغوت‌های سه‌گانه در قرآن کریم و تحلیل ارتباط میان آن‌ها» (اصغرنژاد، ۱۳۹۷ش) با طبقه‌بندی طاغوت به سه دسته سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، شخصیت‌هایی چون فرعون، قارون و هامان را به عنوان مصداقین طاغوت معرفی نموده است و در نهایت اذعان داشته است که ریشه طغیان در هر سه نوع طاغوت استکبار و خودبرتربینی است. مراد نیز در پایان نامه خود با عنوان «ساختار گفتگویی مظاهر توحید و طاغوت در قرآن» (سوره بقره) (مراد، ۱۳۹۶ش) ضمن توجه به ابعاد اجتماعی طاغوت به معرفی شاخصه‌های طاغوت در

سوره بقره پرداخته است. علیدوست و آل مجدد نیز در مقاله «نقد لزوم تکفیر طاغوت از منظر تکفیری‌ها» (علیدوست، آل مجدد، ۱۴۰۱ش) با توجه به دیدگاه سلفی‌ها، تکفیر طاغوت را به مثابه مقدمه ایمان یا نقض ایمان (در صورت عدم تکفیر) به شمار آورده و طاغوت را در نزد سلفیه به معنای اطاعت غیرخدا گرفته است.

در میان آثار موجود، کروپ در مقاله «فراسوی تک واژه‌ها: مائده، شیطان، جبت و طاغوت. سازوکارهای انتقال به بابیل حبشی (گعزی) و متن قرآن» (کروپ، ۱۴۰۲ش) به شکلی متفاوت به بررسی طاغوت پرداخته است. او در این اثر تلاش نموده تا احتمال انتقال طاغوت از بابیل حبشی به متن قرآن را بررسی نماید. با وجود ارزش پژوهشی این اثر اما وی در مورد معنای طاغوت و طیف‌های معنایی قابل استنباط آن در قرآن سخنی نگفته است.

طرح مسأله

گرچه لغت‌شناسان و مفسران، طاغوت را در لغت به معنای متجاوز از حد دانسته و آن را مأخوذ از ماده «طغی» در معنای تجاوز از حد می‌دانند، اما با توجه به معنای ریشه طعی/طغی در زبان‌های سامی و ساخت واژه طاعت/طاغوت از آن، معنای متفاوتی را می‌توان برای این واژه تصور نمود. از سوی دیگر مفسران تلاش نموده‌اند برای طاغوت مصادیقی بازجویند که حاصل این تلاش، ارائه مجموعه مشتت و ناهماهنگی از اقوال و آراء شده است. بت‌هایی مانند لات و عزّی، شیطان، کاهنان، ساحران، دو یهودی با نام مشخص، انسان‌ها یا اجنه متمرّد، اهل کتاب کافر و یا رئیس نصاری، تنها بخشی از اقوال مفسران درباره مصداق طاغوت در قرآن است. آنچه مسأله را درباره مصداق طاغوت در قرآن پیچیده‌تر کرده، آن است که گویی در برخی آیات قرآن، طاغوت اشاره به یک فرد انسانی دارد؛ چرا که طاغوت، مورد رجوع واقع شده (تحاکم إلی الطاغوت: نساء/۶۰) یا پیروان خود را از نور به سوی ظلمات خارج می‌کند (بقره/۲۵۷). اما در مقابل، در برخی دیگر از آیات، گویی طاغوت اشعار به معبودهای بی‌جان (بت‌ها) دارد؛ زیرا که سخن از عبادت و پرستش طاغوت به میان آمده است (مثلاً مائده/۶۰؛ نحل/۳۶). با این وصف، تعیین مصداق برای طاغوت دشوارتر گشته است. با مشاهده نوع تبیینی که لغت‌شناسان و مفسران از این واژه کرده‌اند، می‌توان دریافت که نه معنای لغوی «طاغوت» نزد آنان چندان واضح بوده و نه مصادیق این مفهوم برای آنان روشن بوده است؛ گرچه از میان اقوال متکثر لغویان، می‌توان داده‌های صحیحی را نیز صید کرد که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد.

پرسشی که این پژوهش در پی پاسخ آن خواهد بود، این است که اولاً طاغوت در قرآن کریم، آنگونه که در عربی عصر نزول فهم می‌شده، چه معنایی داشته است؟ و ثانیاً با توجه به بافت دینی

شبه‌جزیره در عصر نزول، طاغوت چه مصادیقی می‌توانسته در آن عصر داشته باشد که قرآن نیز بدان‌ها اشاره کرده است؟

برای این منظور، ابتدا به مروری بر آراء لغت‌شناسان و مفسران درباره معنا و مصداق طاغوت پرداخته شده، سپس با استفاده از روش ریشه‌شناسی، به واکاوی ماده طغی و واژه طاغوت در زبان‌های سامی پرداخته شده است. در ادامه، برخی کاربردهای طاغوت در متون دینی یهودی و مسیحی مرور شده تا معنا و مصداق آن در ادبیات پیشاسلامی مشخص گردد. در بخش سوم، تلاش شده با توجه به پیشینه‌ای که از طاغوت در زبان‌ها و ادیان سامی شناختیم، طیف معنایی و مصادیق کاربرد طاغوت در قرآن کریم مشخص شده و تبیین گردد. آنچه در ادامه می‌آید در حقیقت ارائه بازتابی از معانی ذکر شده در مورد این مفهوم و در نهایت تلاش برای درک معنای آن در عصر نزول قرآن در پرتو وضوح بخشی به آن از طریق ریشه‌شناسی است.

۱. واکاوی معنای طاغوت در منابع لغوی و تفسیری

به باور لغت‌شناسان، طاغوت در لغت از ماده طَغَى یَطْعَى به معنای گذشتن بیش از حد و اندازه است؛ مانند «طغی الماء» (الحاقه/۱۱) که به معنای بالا آمدن بیش از حد آب برای عذاب قوم نوح معنا شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۴/۳۵۰). در اصطلاح طاغوت به کسی اطلاق می‌شود که در امر شرّ یا مکروه زیاده روی کند (جوهری، ۱۳۷۶ش، ۶/۲۴۱۲). ابن منظور معتقد است اصل این واژه بر وزن فَعْلُوت، در اصل طَغِیوت یا طَعْووت بوده که حرف «ی» یا «و» آن بر غین مَقْدَم و به «الف» بدل شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۵/۹). از نظر ابوهلال عسکری طاغوت به دلیل فخامت لفظ از طاغی بلیغ‌تر و در نتیجه استعمال آن هم بیشتر است و آن را به هر معبودی جز خدا می‌توان اطلاق کرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۲۴۲ و ۵۲۰-۵۲۱؛ عسکری، ۱۴۰۰ق، ۲۴۲).

لغت‌شناسان در کنار معنای کلی طاغوت، مجموعه مصادیقی را هم برای آن تعیین نموده‌اند؛ لات و عزی (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۴/۳۵۰)، شیطان (ازهری، ۱۴۲۱ق، ۲/۱۳۷)، کاهن (صاحب، ۱۴۱۴ق، ۶۰/۷) دو یهودی به نام‌های حییی بن اخطب و کعب بن الاشرف، بت‌ها، انسان‌ها و جن‌های متمرّد (ازهری، ۱۴۲۱ق، ۸/۱۵۳-۱۵۴)، ساحر، اجنه متمرّد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۵۲۱)، رئیس نصاری (ازهری، ۱۴۲۱ق، ۸/۱۱) و اهل کتاب متمرّد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۸/۴۴۴) از جمله مصادیقی هستند که در کتب لغوی از آنها یاد شده است.

بروز این اختلاف آراء نه فقط در آثار لغویان بلکه در کتب تفسیر نیز به همین صورت و بلکه با طیفی گسترده‌تر قابل مشاهده است (برای مشاهده گستره این معانی نک: طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۲/۶۳۱؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ۵/۸۳-۸۴). مفسران نیز برخی طاغوت را به معبودهایی غیر از خدا همچون بت‌ها

اطلاق کرده اند (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق، ۶/۴۱۵؛ میدی، ۱۳۷۱ش، ۱/۶۹۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲/۳۴۴)، برخی طاغوت را شیطان دانسته اند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ۱/۲۱۴؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ۲/۲۴۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ۲/۲۳۶)، عده ای دیگر منظور از طاغوت را کاهنان و ساحران دانسته اند (ماوردی، بی تا، ۱/۴۹۵؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ۱/۳۴۴؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ۱/۶۴۵)، تعدادی دیگر حی بن اخطب و کعب بن الاشرف را مصداق طاغوت دانسته اند (نسفی، ۱۳۷۶ش، ۱/۱۶۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۱۰/۱۰۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ۵/۲۴۸) و برخی دیگر جن ها را منظور از طاغوت پنداشته اند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۳/۲۷۰؛ کاشانی، ۱۳۳۶ش، ۲/۱۰۰؛ رضا، ۱۴۱۴ق، ۳/۴۵).

بیشترین منبعی که مفسران در این زمینه مورد استفاده قرار داده اند علاوه بر آثار لغوی، منابع روایی موجود در این زمینه بوده است. چنانکه طبری صرفاً به عنوان یک نمونه با برگزیدن منطق روایی، بدون هیچ نوع تحلیلی در ذیل آیه ۵۱ سوره نساء، ۲۸ روایت مختلف را در مورد معنای طاغوت ذکر کرده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ۵/۸۳-۸۴).

با این توصیف سوالی که هم اکنون در پیش روی ما قرار دارد آن است که از میان این معانی متعدد کدام یک از آنها از حیث تاریخی می تواند مصداق مشخص طاغوت به شمار بیاید و چه روش و ابزاری می تواند، دستیابی به این مهم را برای ما مقدور سازد؟

تنها شاهد تاریخی که واکاوی دقیق آن امکان فهم تاریخی این مفهوم را فراهم می کند، صرفاً خود واژه طاغوت است. منتها بررسی این واژه نه از راه مراجعه به کتب لغت عرب بلکه از طریق تحلیل ریشه شناختی که یکی از روش های تاریخی سات امکان پذیر خواهد بود. اولین اقدامی که در این راستا باید صورت بپذیرد، بررسی وام واژگی یا اصیل بودن این واژه در زبان عربی است. اگرچه برخی از عالمان مسلمان همچون جوالمیقی در *المعرب من الکلام الأعجمی علی حروف المعجم* این واژه را در زمره واژه های معرب یاد نکرده اما سیوطی و بغوی با قاطعیت این واژه را حبشی و به معنای کاهن دانسته اند (سیوطی، بی تا، ۱/۱۱۲؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ۱/۶۴۵).

در کنار دیدگاه بغوی و سیوطی به عنوان عالمان مسلمان، خاورشناسان نیز همگی بر وام واژه بودن طاغوت در زبان عربی تأکید ورزیده اند. البته آنان نیز درباره منشأ این واژه دچار اختلاف شده اند. گروهی از مستشرقان به رهبری گایگر، واژه طاغوت را در قرآن مأخوذ از صورت *ṭawṭ* (طاغوت) در زبان آرامی و ادبیات ربانی یهودی می دانند؛ چرا که این واژه گاه برای اشاره به «بت ها» در تلمود استفاده شده است (جفری، ۲۰۰۷م، ۲۰۳). در مقابل، برخی از مستشرقان چون مینگانا، این واژه را برگرفته از منشأ سریانی *ṭawṭ* (طاغیوتا) و فضای فکری مسیحی می دانند (مینگانا، ۱۹۲۷م، ۸۵). اما آرتور جفری به پیروی از نولدکه و با تأیید نظریه سیوطی، این واژه را مأخوذ از صورت

حبشی کلمه دانسته و معنای آن را در قرآن، مرتبط با معنای حبشی واژه فرض کرده است (جفری، ۲۰۰۷م، ۲۰۲-۲۰۳). خاورشناسان متأخر نیز قول به اصالت حبشی طاغوت را پذیرفته و تلاش کرده‌اند سازوکار انتقال آن از حبشی به عربی را توضیح دهند (کروپ، ۱۴۰۲، ص ۳۷۴-۳۷۸).

یک فرضیه شاذ نیز در این میان، متعلق به واهب عطاء الله بوده که طاغوت را در قرآن، با خدای مصری Thot (تات) مرتبط می‌داند (واهب عطاء الله، ۱۹۷۰، ۷۸). این فرضیه توسط اندیشمندان بعدی رد شده است؛ چرا که هم از لحاظ آواشناختی و هم معنایی، ارتباطی میان طاغوت قرآنی و خدای تات مصری نمی‌توان یافت (کروپ، ۱۴۰۲، ص ۳۷۴-۳۷۵).

با توجه به داده‌های موجودی می‌توان ادعان نمود که «طاغوت» اصلتی عربی ندارد اما در مورد ریشه آن و معنای ریشه‌ای آن همانطور که دیدگاه‌های مختلف نشان داد معلوم نیست. در ادامه با هدف شناسایی معنای ریشه‌ای این واژه تلاش خواهد شد تا معنای لغوی و مصداقی این واژه روشن گردد.

۲. ریشه‌شناسی واژه «طاغوت» در زبان‌های سامی

واژه طاغوت، بر طبق نظر سامی‌شناسان، خود مرکب از ماده ثلاثی «طغی» و وزن «فاعول» است (طغی + فاعول = طاغوت). در ادامه، هم ماده و هم وزن این واژه، با روش تطبیقی در زبان‌های سامی مطالعه خواهد شد.

۲-۱. ریشه‌شناسی ماده «طغی/طغی» در زبان‌های سامی

گرچه لغت‌شناسان، عمدتاً معنای ماده طغی را «گذشتن از حد و اندازه» معنا کرده‌اند، اما با نگاهی به زبان‌های سامی، خواهیم دانست این ریشه معنای متفاوتی را افاده می‌کند. در تمام زبان‌های سامی، این ریشه به شکل ثلاثی مجرد «طغی» آمده است و تنها در زبان عربی است که شاهد صورت «طغی» هستیم. دلیل این امر، آن است که واج /غ/ در معدودی از زبان‌های سامی، از جمله عربی وجود دارد و اکثر زبان‌های سامی، این واج را به شکل /ع/ تلفظ می‌کنند (لسلاو، ۱۹۸۷م، XXVII). با این وصف، کاملاً قابل انتظار است که برای پیجویی طغی در زبان‌های سامی، بایستی به سراغ «طغی» رفت. در زبان عبری، ماده طغی وجود دارد و به صورت فعل **טָפַח** (طاعا) و به معنای سرگردان شدن، منحرف شدن، اشتباه کردن (**wander, stray, err**) می‌باشد (گزنیوس، ۱۹۳۹م، ۳۸۰). در عبری کتاب مقدس، تنها این صورت فعلی وجود دارد و واژه‌ای به شکل «طاعوت» در این زبان ساخت نیافته است.

در مقابل، در زبان آرامی یهودی، علاوه بر صورت فعلی «طغی»، شاهد شکل‌گیری ساخت «طاعوت» نیز هستیم. در این زبان، ماده طغی به سه صورت فعلی، یعنی **טָפַח** (طعو)، **טָפַח**

(طعه/طعا) و طایلا (طعی) کاربرد دارد. در نتیجه، شاهد ابدال و لغزندگی میان حرف عله پایانی (و/ی/ه/أ) در این ریشه هستیم. این صورت‌های فعلی، همگی به معنای «به بیراهه رفتن»، «خطا کردن، اشتباه بودن»، «سرگردان شدن، گم شدن، چرخیدن و گیج خوردن، گمراه شدن، هرزه و شهوت‌ران بودن»^۱ هستند. همچنین در این زبان، صورت اسمی «طایوتا» (طاعوت) که اسمی مؤنث است (تاء انتها علامت تأیید است)، به معنای «خطا، اشتباه» وجود دارد که امتدادی از همان معنای فعلی پیش گفته است (جسترو، ۱۹۰۳م، ۵۴۲).

علاوه بر این معنای عرفی و روزمره، طاعوت معنایی دینی و الهیاتی نیز در زبان آرامی دارد. این واژه عنوانی برای اشاره به «بت‌ها»^۲ است و در تلمود بابلی، گاهی در این معنا به کار رفته است. مصدر آن نیز به صورت طایوتا (طاعوتا) و به معنای «بت‌پرستی»^۳ است (جسترو، ۱۹۰۳م، ۵۴۲؛ جفری، ۲۰۰۷م، ۲۰۳).

در زبان سریانی نیز به مثابه یکی از زبان‌های زیرشاخه آرامی، شاهد کاربرد ماده طعی و واژه طاعوت هستیم. در این زبان، ماده طعی (طعا) به معنای «سرگردان شدن، اشتباه کردن، گمراه شدن، در اشتباه افتادن، به راه اشتباه هدایت شدن»^۴ و «گم شدن، فراموش شدن، نادیده گرفته شدن»^۵ به کار رفته و از این ماده، واژه طعیوتا (طاعیوتا) به معنای «خطاکار، گمراه و سرگردان، خطا و اشتباه»^۶ ساخت یافته است (اسمیت، ۱۹۵۷، ۱۷۷-۱۷۸).

همچنین در زبان مندایی، به عنوان یکی دیگر از زبان‌های زیرشاخه آرامی، بن فعلی TAA (طئا) معنای «گمراه شدن، خطا کردن، انحراف یافتن» دارد و واژه طایوتا (طائیوتا) نیز از آن ساخته شده است (دروور و ماکوچ، ۱۹۶۳، ۱۷۱).

در اینجا لازم به ذکر است که فعل طعی در زبان‌های آرامی و سریانی، در باب Afel و Hifil (معادل باب افعال در زبان عربی) نیز وارد شده و معنای متعدی «موجب سرگردانی یا خطا شدن، به گمراهی کشاندن، فریب دادن، اغفال کردن»^۷ را افاده می‌کند (اسمیت، ۱۹۵۷م، ۱۷۸؛ جسترو، ۱۹۰۳م، ۵۴۲).

1. going astray, to err, be mistaken, to wander, be lost, to reel; go astray, be licentious.
2. Idols.
3. idolatry.
4. to wander, err, go astray, fall in error, be led into the wrong way.
5. to be missing, lost, to be forgotten, disregarded.
6. erring, straying, error.
7. to cause to wander or err, to lead astray, deceive, seduce.

یکی دیگر از زبان‌های زیرشاخه آرامی، لهجه فلسطینی مسیحی است که در آن، واژه *ḥāḥā* (طاعتوا) وجود دارد و برگرفته از صورت آرامی ترگومی واژه می‌باشد (شوالی، ۱۸۹۳م، ۳۸). همچنین در متون طلسمات آرامی، صورت *ṭawāṭā* (طاعتوا) به معنای «خدای غلط»^۱ دیده می‌شود که همان معنایی دینی واژه است (مونتگمری، ۱۹۱۳م، ۲۹۰). در لهجه فلسطینی یهودی از زبان آرامی، واژه *ṭawāṭā* هر دو معنای عرفی (خطا) و دینی (بت، خدایان) را داراست (سوکولوف، ۱۹۹۲م، ۲۲۷).

با نگاهی به زبان‌های سامی شمالی که از نظر گذشتند، می‌توان متوجه شد واژه «طاعت» تنها در شاخه آرامی (آرامی یهودی، سریانی، مندایی، لهجه فلسطینی - مسیحی و فلسطینی - یهودی) از زبان‌های سامی شمالی دیده می‌شود و شاخه عبری این واژه را ندارد. همچنین بایستی توجه داشت ماده طعی و واژه طاعت در این شاخه، عمدتاً معنای عرفی و روزمره خود (خطا کردن، خطا و اشتباه) را دارد و در برخی از کاربردها نیز معنای دینی «بت، بت پرستی» را بروز داده است.

با رفتن به شاخه سامی جنوبی، متوجه یک تغییر اساسی در معانی و کاربردهای واژه طاعت می‌شویم. در زبان حبشی، فعل *ṭāʾawa* (طعو) هم به معنای عرفی «خطا کردن، به اشتباه افتادن» (*err*) و هم در معنای دینی «پرستیدن بت‌ها» (*worship idols*) کاربرد دارد. اما نکته اساسی درباره زبان حبشی آن است که واژه طاعت در این زبان، با صورت *ṭāʾot*، دیگر معنای عرفی (خطا، گمراهی) را ندارد و تنها بار معنایی دینی و الهیاتی یافته است (لسلاو، ۱۹۸۷م، ۵۸۴).

واژه «طاعت» (*ṭāʾot*) در زبان حبشی، که خود وام‌واژه‌ای آرامی در این زبان است، دارای دو کاربرد و دو مصداق مختلف در متون است. این واژه نخست درباره «بت» و «بی‌خدایی»^۲ به کار رفته است و تعبیر *mamlake ṭāʾot* در این زبان، به معنای شخص بت پرست است. اما علاوه بر این معنا که در زبان آرامی نیز مشاهده شده بود، طاعت در این زبان مصداق جدیدی نیز یافته است: «پیشگو، کاهن، فال‌گیر»^۳ (لسلاو، ۱۹۸۷م، ۵۸۴). در واقع، کاهنان و پیشگویان هم در فضای مسیحیت حبشی، از مصداق طاعت تلقی شده‌اند.

در یک نگاه عام‌تر، آنچه در زبان و فرهنگی دینی حبشی رخ داده آن است که هر نوع انحرافی از دین صحیح و راستین، که در فضای حبشه همان مسیحیت است، طاعت تلقی شده و آن عقاید، خرافی و باطل دانسته می‌شود. در واقع طاعت اشاره به هر نوع خدای دروغین دارد (جفری، ۲۰۰۷م، ۲۰۳). یکی از مصداق این «بد دینان» و «منحرفان» (=طاعت)، بت پرستان هستند و مصداق دیگر،

^۱. false deity.

^۲. idol, ungodliness.

^۳. soothsayer, fortune-teller.

کاهنان یا همان «شَمَن»ها (نک: سطور بعد). به واقع باید دانست، این خود بت پرستان و یا کاهنان نبودند که بر خویش عنوان «طاغوت» نمی نهادند، بلکه این دین مسیحیت (به مثابه دین راستین و حقیقی) بود که بر بت پرستان و شمن ها، نام «طاغوت» (= بد دینان، منحرفان) می نهاد و چنین قضاوتی را درباره چنین کیش های الحادی می نمود. پس این مفهوم، مفهومی است که در فضای اندیشه ای مسیحیت حبشه، برای عنوان گذاری و در عین حال داوری کردن و ارزش گذاری نمودن ادیان رقیب (بت پرستی و شمنیسم) ساخته شده و توسعه یافته است. چنین قضاوتی بیشتر و در فضای یهودیت و متون آرامی یهودی نیز، تنها درباره بت ها و بت پرستی، تبلور یافته بود.

در اینجا، ارائه توضیحی درباره دین شمنیسم خالی از فایده نخواهد بود. «شَمَن» واژه ای است که انسان شناسان آن را بر متخصصان دینی اطلاق می کنند که به گمان عامه، صاحب قدرت های ماورائی و فراطبیعی گسترده هستند و روحشان قادر به انجام سفرهای فرازمینی به جهان ماوراءالطبیعه جهت اطلاع از اخبار غیبی و خبر آوردن از آن ها است. از همین رو، این افراد از جایگاه رفیعی در میان اقوام خود برخوردارند و همواره هاله ای از احترام و تقدس بر گرد آن ها قرار دارد (کتاب، ۲۰۰۲م، ۲۹۷).

پژوهش های انسان شناسی نشان می دهد شمن ها همواره خود را تحت تأثیر الهامات نشان می دهند و مدعی سفر به جهان ارواح و ارتباط گرفتن با قدرت های مافوق طبیعی هستند (ریویر، ۱۳۹۰ش، ۱۹۱). مهمترین کارکرد شمن ها نیز پیشگویی و خبر دادن از امور غیبی و ناشناخته بوده است (همان، ۲۱۲) و از همین رو بسیار مورد رجوع مردم بوده اند. چرا که با باور قوم خود، با اطلاع از غیب و حوادث آینده می توانستند آمادگی های لازم را پیشاپیش فراهم کرده و از وقوع مصائب، جنگ یا بیماری ها جلوگیری کنند. گفتنی است در میان اقوام عرب نیز شمن ها حضوری پر رنگ داشتند و با عناوینی چون «کاهن»، «ساحر» یا «عراف» شناخته می شدند (برای کسب اطلاعات بیشتر رک: فهد، ۲۰۰۷م). پیش تر بیان شد که برخی از مفسران و لغت شناسان نیز مصداق طاغوت در قرآن کریم را همین «کاهن» یا «ساحر»ها دانسته اند و این نکته نیز می تواند موید معنای مورد اشاره ایشان باشد.

۲-۲. وزن «فاعول» در زبان های سامی

حال برای فهم بهتر معنای این واژه لازم است تا به وزن آن در زبان های سامی نیز اشاره ای مختصر شود. درباره اینکه واژه «طاغوت» بر چه وزنی است، دو نظریه وجود دارد. نخستین نظریه معتقد است اصل این واژه بر وزن «فَعْلُوت»، یعنی در اصل طَعْيُوت یا طَعْوُوت بوده، که حرف عله پایانی (ی/و) آن بر غین مقدّم و به «الف» بدل شده است (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ۴۳/۶؛ راغب اصفهانی،

۱۴۱۲ق، ۵۲۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۹/۱۵). در مقابل، نظریه دوم بر آن است که طاغوت بر وزن «فاعول» ساخت یافته و در آن قلب رخ داده است (جوهری، ۱۳۷۶ش، ۲۴۱۳/۶؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۶۳۶/۱۹).

بر طبق داده‌های زبان‌های سامی، واژه طاعوت/طاغوت بر وزن «فاعول» است و تاء انتهایی در این کلمه، حرف تأنیت می‌باشد (جسترو، ۱۹۰۳م، ۵۴۲). در زبان سریانی، این واژه به شکل «طاعیوت» بوده و حرف عله انتهایی ریشه را حفظ کرده است. اما در زبان‌های آرامی، حبشی و عربی، این واژه صورت «طاعوت/طاغوت» یافته و حرف عله انتهایی ریشه در آن حذف شده است که علت آن، تلاقی دو حرف عله (واو زائد در فاعول و حرف عله انتهایی در ریشه) بوده است.

حال باید با این پرسش مواجه شد که وزن «فاعول» چه معنایی را با خود حمل کرده و به واژه طاغوت افزوده است؟ واقعیت آن است که وزن فاعول در زبان عربی، وزنی کم‌شناخته و کم کاربرد است. صرف‌شناسان مسلمان بر این عقیده بوده‌اند که وزن فاعول، از اوزان «صیغه مبالغه» بوده و برای آن نمونه‌هایی چون هاضوم و فاروق را نمونه می‌آوردند (حسینی طهرانی، ۱۳۶۴ش، / ۳۶۸-۳۶۹؛ شرتونی، ۱۳۸۷ش، ۷۳/۴). به‌همین دلیل است که طاغوت را ابلاغ از طاغی دانسته‌اند، چرا که شدت طغیان در آن بیشتر است (عسکری، ۱۴۰۰ش، ۲۴۲).

سامی‌شناسان درباره وزن فاعول، نظری متفاوت، اما قریب به همین مضمون دارند. سامی‌شناسان معتقدند اوزانی از اسم که به صورت CVCVC هستند، مانند fā'il (فاعِل)، fā'il (فاعیل) و fā'ūl (فاعول)، همگی کارکرد active participle (صفت فاعلی، وجه فاعلی) دارند. در این ساخت صرفی، واکه اول دچار دیرش یا کیشش^۱ شده (CVCVC) و در نتیجه چنین معنایی را افاده کرده است (لیپینسکی، ۱۹۹۷م، ۲۱۱-۲۱۲).

با این توضیح، باید گفت وزن فاعول در زبان‌های سامی، اشاره به معنای «اسم فاعل» دارد و طاغوت نیز بر یک وزن اسم فاعل ساخته شده است. از آنجا که ماده «طغی» به معنای «گمراه بودن، خطا کردن» است، پس طاغوت بایستی معنایی به‌مانند «گمراه کننده، منحرف کننده» داشته باشد.

۲-۳. کاربردهای «طاغوت» در زبان‌ها و ادیان سامی

در متون دینی یهودی که به زبان آرامی است و همچنین در متون حبشی کلاسیک که متعلق به مسیحیت حبشه است، واژه طاعوت کاربردهای فراوانی دارد. در ادامه، به نمونه‌هایی از این موارد اشاره می‌شود تا بافت کاربرد واژه در متون پیشاقرآنی مشخص گردد.

^۱. Duration, Vowel Length.

۱-۳-۲. متون آرامی یهودی

در متون آرامی یهودی، که زبان نوشتاری یهودیان پس از دوران نگارش عهد عتیق عبری بوده است، واژه טעו (طاعو: مذکر) و טעות (طاعوت: مؤنث) دارای دو معنای عرفی و دینی است. این واژه در معنای عرفی خود، دلالت بر معنای «خطا، اشتباه» (error) می‌کند. برای نمونه، در کتاب توبیاس^۱ این واژه در عبارت زیر به کار رفته است:

ומכל טעותא מנע גרמך «خودت را از هر خطایی مصون بدار» (توبیاس، ۱۸۷۸م، بخش ۴، ۸، ۲؛ برای سایر نمونه‌ها نک: CAL). اما این واژه در معنای دینی خود، اشاره به «خدایان بت‌پرستانه» دارد. نمونه‌ی این کاربرد را می‌توان در عبارت زیر که از ترجمه آرامی سفر خروج (در ترگوم) است، مشاهده کرد:

לא תסגדון להון ולא תפלחון [לטעותהון] «برای آنان خم مشو و بت‌هایشان را هم نپرست!» (کلاین، ۱۹۸۶م، سفر خروج، بخش ۲۰ آیه ۵؛ برای سایر نمونه‌ها نک: CAL). از این عبارات و مانند آن چنین برمی‌آید که دین یهودیت، قضاوت خود را درباره بت‌ها و الهه‌ها، با واژه «طاعوت» بیان می‌کرده که در اصل به معنای خطا و اشتباه بوده است. گفتنی است در زبان و متون سریانی، این واژه معنای دینی (بت‌ها) را ندارد و صرفاً دارای معنایی عرفی (خطا، گمراهی) است.

۲-۳-۲. متون حبشی

در متون حبشی نیز واژه طاعوت به معنای بت‌ها کاملاً کاربرد دارد. در یکی از متون حبشی کلاسیک به نام «کتاب یوبیل»^۲، واژه طاعوت در عبارتی آمده که ترجمه آن چنین است:

“And they made for themselves things cast of metal, and each one worshiped **the idol** which they had made of metal”.

«و آن‌ها برای خودشان چیزهایی از جنس فلز ساختند، و هر یک آن بت را که از فلز ساخته بود، می‌پرستید» (ورونیکا روت، کتاب یوبیل، بخش ۱۱ آیات ۴-۵).

مورد دیگر در بابیل حبشی که واژه طاعوت را به معنای بت تداعی می‌کند، باهم‌آیی دو واژه «جبت» و «طاعوت» است. در بابیل حبشی، تعبیر mamlake tã'ot به معنای «بت‌پرست» در کنار تعبیر amalektä gebt به معنای «خدای نو و بیگانه» به کار رفته است. واژه gebt در زبان حبشی، به معنای «ناگهانی، غیرقابل انتظار، نو و جدید» است (لسلاو، ۱۹۸۷م، ۶۰۸). کاربرد تعبیر amalektä

^۱. The Book of Tobit.

^۲. Book of Jubilees.

gebt در بایبل حبشی به معنای «خدای نو و بیگانه»، در تقابل با mamlake t̄ā'ot (بت‌پرست) این فرضیه را تداعی می‌کند که منظور از جبت، خدای جدید و بیگانه بوده، اما منظور از طاغوت، بت‌های قدیمی و آشنا بوده باشند (کروپ، ۱۴۰۲، ۳۷۶-۳۷۸). باهم‌آیی جبت و طاغوت در آیه ۵۱ سوره نساء: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نُصِيْبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ ...» (نساء/۵۱) نیز احتمالا بایستی در همین بافت فهمیده شود.

در مواردی نیز این واژه برای اشاره به کاهنان، غیبگویان، طالع‌بینان و به‌طور کلی دین شمنیسم استفاده شده است. این معنا در فرهنگ‌های حبشی در ذیل واژه طاغوت آمده است^۱ (دیلمان، ۱۸۶۵م، ۱۲۴۳؛ لسلاو، ۱۹۸۷م، ۵۸۴).

۳. طیف معنایی کاربردهای «طاغوت» در قرآن کریم

حال در بازگشت به قرآن باید گفت که ماده «طغی» در قرآن کریم به‌همراه مشتقاتش، جمعا ۳۱ بار به‌کار رفته است. این مشتقات عبارتند از: طَغَى (فعل مجرد) ۱۲ بار؛ أَطْعَى (باب افعال) ۱ بار؛ طَاغَى (اسم فاعل) ۷ بار؛ أَطْعَى (صفت تفضیل) ۱ بار؛ طَغَوَى (اسم مصدر) ۱ بار؛ طُغْيَان (مصدر) ۹ بار؛ طاغوت (اسم) ۸ بار.

با مروری بر کاربردهای این ماده در قرآن کریم، می‌توان نشان داد معنای سامی ریشه «طعی/طغی» که همانا «خطا کردن، گمراه شدن، حیران شدن و ...» (to err, astray, wander) است، در کاربردهای قرآنی نیز وجود دارد. برای نمونه، مصدر «طغیان» ۵ بار با واژه «یَعْمَهُون» هم‌نشین شده است (مثلا: بقره/۱۵؛ انعام/۱۱۰). فعل «عَمِيَ» در عربی به معنای «تَحْيِرٌ وَ ضَلَالَةٌ» است و گفته شده با عَمِيَ به معنای کوری نیز رابطه‌ای ریشه‌ای دارد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۱۱۰/۱؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ۱۰۶/۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۵۸۸/۱). هم‌نشینی این واژه با طغیان، تأکیدی بر وجود مؤلفه معنایی حیرت، ضلالت و گمراهی در طغیان است و با توجه به ریشه‌شناسی ماده، بایستی طغیان را به «ضلالت و گمراهی» معنا کرد.

همچنین در یک کاربرد از این ماده در باب افعال، فعل «أَطْعَى» با واژه «ضلال» هم‌نشین شده است: «قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْعَيْتُهُ وَ لَكِنَّ كَانُ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ» (ق/۲۷). با توجه به آنکه باب افعال از ماده طعی/طغی در زبان‌های آرامی و سریانی وجود داشت و به معنای گمراه کردن، سرگردان کردن و فریب دادن بود، این معنا را می‌توان در آیه مذکور نیز نشان داد. در این آیه که شرح گفتگویی میان

^۱ نویسنده نتوانست به متون اصلی حبشی که حاوی این واژه باشند، دسترسی پیدا کند؛ چرا که ارجاعی در فرهنگ‌های حبشی وجود نداشت.

دو قرین و همراه در جهنم است، یکی از آن دو، درباره قرین خویش خطاب به خداوند می‌گوید: پروردگارا! من او را گمراه نکردم/فریب ندادم و لکن او خود در گمراهی به سر می‌برد. بر همین اساس، در مورد مفهوم «طاغوت» در قرآن نیز با توجه به پیشینه‌ای که از معنا و کاربردهای این مفهوم در زبان‌های سامی و ادیان یهودی و مسیحی (به‌ویژه مسیحیت حبشی) ارائه گردید، می‌توان به نتایجی جدید دست یافت.

طاغوت در قرآن کریم تنها دارای بار معنایی دینی و الهیاتی است و هیچگونه کاربرد روزمره و عرفی در قرآن کریم ندارد. این مفهوم در آیات متعددی، در تقابل با «الله» به‌عنوان خدای راستین قرار گرفته و این امر، بیانگر آن است که طاغوت نوعی خدای باطل و دروغین است (بقره/۲۵۶-۲۵۷). با این توضیح، می‌توان حدس زد طاغوت در لسان قرآن به معنای حبشی واژه نزدیک‌تر است (معنای الهیاتی) و از معنای سامی شمالی در آرامی و سریانی (معنای عرفی) فاصله گرفته است.

از سوی دیگر، این واژه گاه در آیاتی به‌کار رفته که در بافتار آن، مخاطب آیه اهل کتاب هستند. برای نمونه در آیه ۵۱ نساء: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَ يَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا» (نساء/۵۱)، تعبیر «الذین اوتوا نصیباً من الکتاب» کنایه‌ای است به اهل کتاب که در عین بهره‌مندی از کتاب الهی و دین توحیدی، به‌دنبال جبت و طاغوت (خدایان دروغین) نیز هستند (نیز نک: نساء/۶۰). چنین مواردی نیز معنای طاغوت در قرآن را به زمینه مسیحی-حبشی آن نزدیک‌تر می‌سازد. البته در برخی آیات مخاطبان طاغوت پرست، با تعبیر «الذین کفروا» یاد شده‌اند که می‌تواند اعم از کافران بت پرست یا کافران از اهل کتاب باشد (مثلاً: بقره/۲۵۷؛ نساء/۷۶).

حال پرسش اصلی آن است که طاغوت در قرآن کریم چه مصداق مشخصی دارد و چه طیف معنایی را دربر می‌گیرد؟ بر اساس تحلیل هم‌نشین‌های طاغوت در آیات قرآن کریم، می‌توان دو مصداق جداگانه و دو کاربرد معنایی متمایز را برای این مفهوم بازجست: نخست طاغوت‌هایی از جنس انسان و دوم طاغوت‌های از جنس بت و خدایان.

۳-۱. طاغوت‌های انسانی

طاغوت‌های انسانی، بر اساس پیشینه حبشی واژه، اشاره به «شمن‌ها» دارد. کاهنان و ساحرانی که در عصر نزول قرآن کریم، در فضای شبه‌جزیره می‌زیسته‌اند از چنان مرجعیتی نزد عرب برخوردار بودند که می‌توانستند به‌عنوان رقیبی برای خدا، رسول و دین راستین مطرح باشند. گروهی از آیات طاغوت، اشاره به این گروه اجتماعی دارد.

در دو آیه از سوره نساء، شاهد همنشینی طاغوت با «شیطان» هستیم: «... يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَ يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا» (نساء/۶۰) و «... وَ الَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا» (نساء/۷۶). با توجه به آنچه از ادیان شمنیستی می‌دانیم، شمن‌ها مدعی ارتباط با اجنه و شیاطین هستند و بر این باورند که اخبار و اطلاعات غیبی خود را از مجرای آنان دریافت می‌کنند. بر این اساس است که می‌توان چنین همنشینی‌ای را درک کرد.

علاوه بر این، تعبیر «تحاکم إلى الطاغوت» در آیه ۶۰ نساء، اشاره‌ای است به این واقعیت که طاغوت‌ها، مورد رجوع مردم برای رفع نیازهای گوناگون‌شان بوده‌اند و این مسأله نیز با آنچه از جایگاه اجتماعی شمن‌ها می‌دانیم، تطابق دارد. شمن‌ها به دلیل دارا بودن قدرت‌ها و ارتباط‌های ماورائی، مرجعیت بسیاری از امور قوم خود را در دست داشته‌اند و مردم به آنان برای امور گوناگونی چون طبابت و درمانگری، اطلاع‌یافتن از اخبار غیبی و حوادث آینده و یا دفع نیروهای شرور با استفاده از جادو مراجعه می‌کردند (شیرزاد، محمدحسین، ۱۳۹۸، ۲۲۳-۲۲۵).

یکی دیگر از این دست آیات که به طاغوت انسانی اشاره دارد، آیه ۲۵۶ سوره بقره است که میان طاغوت با مفهوم «غی» رابطه برقرار کرده است: «... قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ» (بقره/۲۵۶). غی در معنای لغوی خود، اشاره به «گمراهی بر پایه فریب» دارد (شیرزاد، محمد حسن، ۱۳۹۸، ۱۹۵). این همنشینی، بیانگر آن است که طاغوت فردی است که نقشی «گمراه کننده» و «فریب دهنده» دارد و این معنا، با معنای ریشه طغی/طغی (گمراهی، خطا) نیز سازگار است. در آیه بعد، این نقش گمراه کننده طاغوت با تعبیر «يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» (بقره/۲۵۷) بیشتر توضیح داده شده است.

در همین زمینه، می‌توان به آیات دیگری از قرآن کریم هم اشاره کرد که میان طاغوت با مفهوم «ضالت» باهم آیی برقرار شده است: «وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ...» (نحل/۳۶) (نیز نک: نساء/۵۱؛ نساء/۶۰). این موارد نیز همگی مؤیدی بر نقش گمراه کننده طاغوت هستند. البته نسبت دادن گمراهی و گمراه کنندگی به طاغوت، می‌تواند اشاره به طاغوت به معنایی اعم (از طاغوت انسانی یا بت) باشد.

۲-۳. طاغوت‌های بت و خداواره

اما همانگونه که گفته شد علاوه بر طاغوت‌های انسانی در قرآن به برخی از طاغوت‌هایی از جنس بت و خدایان نیز اشاره شده است. در پاره‌ای از آیات، واژه طاغوت با همنشین‌هایی به کار رفته که شاید نتوان آن‌ها را ناظر به طاغوت انسانی (کاهنان و شمن‌ها) دانست. این موارد بیشتر مؤید آن

هستند که منظور از طاغوت، بت‌ها و خدایان دروغینی هستند که مورد عبادت و پرستش قرار می‌گرفته‌اند.

برای نمونه، در آیه ۶۰ سوره مائده: «مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَ غَضِبَ عَلَيْهِ وَ جَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَ الْخَنَازِيرَ وَ عِبَدَ الطَّاغُوتِ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَ أَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ» (مائده/۶۰)، همنشین طاعوت با واژه «عَبَدَ» تأیید می‌کند که مواجهه برخی با طاغوت، خدایاندارانه بوده، تا جایی که آن را می‌پرستیده‌اند (نیز نحل/۳۶؛ زمر/۱۷). این دست آیات، می‌تواند ناظر به بت‌ها باشد، چرا که بت‌ها خداواره بوده و پرستیده می‌شده‌اند. البته اگر عبادت را به معنای خدمت کردن بدانیم، طاعوت انسانی نیز می‌تواند مصداق این آیه باشد و در این صورت، معنای عام طاعوت یعنی «هر مرجع گمراه کننده» در این آیات مد نظر خواهد بود.

در آیه ۵۱ سوره نساء نیز که سخن از «ایمان به جبت و طاعوت» توسط برخی از اهل کتاب است، این احتمال قوی‌تر است که منظور از طاعوت، بت‌ها باشند. دلیل این امر، پیشینه کاربرد جبت و طاعوت در زبان حبشی است که پیشتر به آن اشاره شد.

نتیجه

بر اساس داده‌های زبان‌های سامی و پیشینه کاربرد طاعوت/طاغوت در ادیان سامی، مشخص گردید که «طاعوت» صفتی است که به بت‌پرستی، شمنیسم و به‌طور عام‌تر، به هر کیش و آیینی که مصداق بددینی و انحراف باشد، اطلاق می‌شده است. با این وصف، طاعوت در قرآن کریم نیز چنین مصداقی را در بر گرفته است. بر همین اساس و با به‌کارگیری دانش زبان‌شناسی تاریخی، می‌توان معنای قرآنی طاعوت را دقیق‌تر فهم کرده و از تشتت اقوال و آرا مفسران درباره معنا و مصداق این مفهوم، رهایی پیدا کرد.

طاعوت در قرآن، از ریشه‌ی مشترک سامی «طعی/طغی» ساخت یافته که به معنای خطا کردن و گمراه شدن است. طاعوت همراستا با معنای این واژه در دیگر زبان‌های سامی، از حیث لغوی به معنای گمراه کننده و فریب دهنده است.

بر اساس پیشینه‌ای که از مصداق و کاربردهای طاعوت در متون آرامی یهودی و متون حبشی مسیحی می‌شناسیم، می‌توان دو مصداق مختلف را برای طاعوت بازجست. نخست بت‌ها که در متون آرامی نیز اشاره به همین معنا داشته است و دوم کاهنان (شمن‌ها) که در متون حبشی این معنا را یافته است. در قرآن کریم نیز همین دو طیف معنایی بازتاب یافته، هم از طاعوت‌های بت و خداواره سخن به میان آمده و هم به طاعوت‌های انسانی (که همان شمن‌ها باشند) اشاره شده است.

البته باید دانست طاغوت در معنای کلی «گمراه کننده»، مفهومی کلی است و در برخی آیات، نمی‌توان مصداق طاغوت انسانی را از طاغوت بت جدا کرد. بدین لحاظ، می‌توان گفت طاغوت در برخی آیات قرآنی اشاره به بت‌ها داشته، در برخی اشاره به کاهنان مورد رجوع مردم، و در برخی نیز اشاره‌ای کلی به هر خدای و مرجعی جز خدای واحد متعال دارد.

منابع

علاوه بر قرآن کریم

۱. ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق)، *المحکم و المحيط الأعظم*، به کوشش عبدالحمید هنداوی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق)، *المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
۴. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۳۷۱ش)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی.
۵. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، *تهدیب اللغة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۶. اصغر نژاد، فاطمه (۱۳۹۷ش)، پایان نامه کارشناسی ارشد *شاخصه ها و مصادیق طاغوت های سه گانه در قرآن کریم و تحلیل ارتباط میان آن ها*، تهران، دانشگاه شاهد.
۷. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق)، *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۸. ثعلبی، ابواسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق)، *الصحاح*، به کوشش احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین.
۱۰. حسینی طهرانی، هاشم (۱۳۶۴ش)، *علوم العربیه*، تهران، نشر مفید.
۱۱. حایری، محمود؛ میرخلیلی، سید احمد؛ و صحرايي اردکاني، محمد (۱۳۹۸ش)، رجوع به طاغوت در منابع تفسیری و روایی و گستره آن، *کتاب قیم*، ۲۰ (۹)، صص ۱۹۹-۲۲۲.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴ش)، *مفردات الفاظ القرآن*، تهران، نشر مرتضوی.
۱۳. رضا، محمد رشید (۱۴۱۴ق)، *تفسیر القرآن الحکیم الشہیر بتفسیر المنار*، بیروت، دار المعرفه.

۱۴. ریویر، کلود (۱۳۹۰ش)، *درآمدی بر انسان‌شناسی*، ترجمه ناصر فکوهی، تهران، نشر نی.
۱۵. زبیدی، محمدبن محمد (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس*، به کوشش علی شیری، بیروت، دارالفکر.
۱۶. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت، دارالکتب العربی.
۱۷. سیوطی، جلال الدین (بی تا)، *المهذب فیما وقع فی القرآن من المعرب*. بیروت، مطبعة فضالة.
۱۸. شرتونی، رشید (۱۳۸۷ش)، *مبایء العربیة فی الصرف و النحو*، قم، دارالعلم.
۱۹. شیرزاد، محمد حسن (۱۳۹۸ش)، رساله دکتری *کاربرد الگوهای انسان‌شناسی حمل و نقل در تفسیر قرآن کریم*، تهران، دانشگاه امام صادق(ع).
۲۰. شیرزاد، محمد حسین (۱۳۹۸ش)، رساله دکتری *کاربرد الگوهای انسان‌شناسی امنیت در تفسیر قرآن کریم*، تهران، دانشگاه امام صادق(ع).
۲۱. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق)، *المحیط فی اللغة*. بیروت، بی نا.
۲۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م)، *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (طبرانی)*، بیروت، دارالکتب الثقافی.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصرخسرو.
۲۵. طبری، ابو جعفر محمدبن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفة.
۲۶. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، *الفروق فی اللغة*، بیروت، دارالآفاق الجدیة.
۲۷. فخر رازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم، نشر هجرت.
۲۹. فهد، توفیق (۲۰۰۷م)، *الکهانة العربیة قبل الاسلام*. بیروت، شركة قدمس للنشر و التوزیع.
۳۰. قرطبی، محمدبن احمد (۱۳۶۴ش)، *الجامع لأحكام القرآن*. تهران، ناصر خسرو.
۳۱. کاشانی، ملافتح الله (۱۳۳۶ش)، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی محمد حسن علمی.
۳۲. کروپ، مانفرد (۱۴۰۲ش)، «فراسوی تک واژه ها: مانده، شیطان، جبت و طاغوت. سازوکارهای انتقال به بایبل حبشی (گعزی) و متن قرآن» در *قرآن در بافت تاریخی آن*، ترجمه سعید شفیعی (مترجم)، تهران، انتشارات حکمت.

۳۳. ماوردی، علی بن محمد (بی تا)، *النکت و العیون*. بیروت، دار الکتب العلمیه.
۳۴. مراد، زهرا (۱۳۹۶ش)، پایان نامه کارشناسی ارشد *ساختار گفتگوی مظاهر توحید و طاغوت در قرآن (سوره بقره)*، قم، دانشگاه جامعه المصطفی.
۳۵. مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳ق)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار احیاء التراث.
۳۶. میدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ش)، *کشف الأسرار و عدة الأبرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)*، تهران، امیرکبیر.
۳۷. نسفی، عمر بن محمد (۱۳۷۶ش)، *تفسیر نسفی*، تهران، انتشارات سروش.
38. CAL (Comprehensive, Aramaic Lexicon Project), Sat, 23 Sep 2023, Adress:
<https://cal.huc.edu/oneentry.php?lemma=%2B%28w%20N&cits=all>
39. Dillmann, Augusti (1865), *Lexicon linguae aethiopiae*, Lipsiae, T.O. Weigel.
40. Drower, E.S. & Macuch, R. (1963), *A Mandaic Dictionary*, London: Oxford University Press.
41. Gesenius, William (1939), *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*, ed. F.A. Brown, London: Oxford.
42. Jastrow, Marcus (1903), *A Dictionary of the Targumim* (2 Volume), London/New York.
43. Jeffery, Arthur (2007), *The Foreign Vocabulary of the Qur'an*, Brill, Leiden.
44. Klein, M. L. (1986), *Geniza Manuscripts of the Palestinian Targum to the Pentateuch*, HUC, Cincinnati.
45. Kottak, Conrad Phillip (2002), *Cultural Anthropology*, Boston: McGraw-Hill.
46. Leslau, Wolf (1987), *Comparative Dictionary of Ge'ez (Class. Ethiopic)*, Wiesbaden: Harrassowitz.
47. Lipinski, Edward (1997), *Semitic Languages: Outline of a Comparative Grammar*, Leuven: Peeters.
48. Mingana, A. (1927), *Syriac Influence on the Style of the Kur'an*, in Rylands Bulletin.
49. Montgomery, James (1913), *Aramaic Incantation Texts From Nippur*, The University Museum, Philadelphia.
50. Payne Smith, R. (1957). *A Compendious Syriac Dictionary*, Oxford: Clarendon Press.

51. Schwally, Friedrich (1893), *Idioticon des christlich-palestinischen Aramaisch*, Giessen.
52. Sokoloff, Michael (1992), *A Dictionary of Jewish Palestinian Aramaic of the Byzantine Period*, Bar Ilan University Press.
53. Tobit (Medieval Text) (1878), *as per A. Neubauer, The Book of Tobit: A Chaldee Text*, Oxford.
54. Veronika Roth, Book of Jubilees 11:4-5 - TUK_920. In: *Texts from the environment of the Koran*, seen: September 19, 2023. Adress: <https://corpuscoranicum.de/en/verse/navigator/sura/4/verse/60/intertexts/920>
55. Wahib Atallah (1970), “Jibt et tāghūt dans le Coran”, *Arabica*, 17, pp. 69-82.